

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد هارون خیل شعشی

۱۹ جنوری ۲۰۱۲

## مصاحبه خانم "معروفی" با آقای "خیل شعشی" به مناسبت تحرکات اخیر امپریالیستی در افغانستان

دانشمند محترم آقای خیل شعشی!

بعد از عرض سلام به امید سلامتی تان، اینک به طرح سؤالات می پردازم.

سؤال ۱- هدف از انتخاب قطر برای آغاز مذاکره بین امریکا و طالب چیست و به نظر شما چه رول را می تواند در منطقه داشته باشد؟

خواهر فرزانه و گرانقدر- نسرين جان معروفی!

اجازه دهید تا اولتر از همه، سلام های گرم و تمنیات نیک خویش را حضور شما همکار گرامی و از طریق شما به همه دوستداران سایت وزین و ارزشمند « افغانستان آزاد – آزاد افغانستان » تقدیم دارم .

۱- انتخاب قطریه عنوان محل برگزاری مذاکرات میان نمایندگان طالبان و ایالات متحده امریکا می تواند از چند جهت مطمح نظر باشد:

- اول این که ستراتیژیستان امریکائی با این گزینش شان تلاش می ورزند تا با توجه به حوادث آخر در مناسبات پاکستان و امریکا از ابتکار عمل نظامیان پاکستانی در مسأله جنگ و صلح افغانستان جلوگیری به عمل آرد. این امر خواهی نخواهی روابط نظامی - سیاسی زمامداران پاکستانی و رهبران طالبان را تا حدودی خدشه دار خواهد ساخت . تیرگی این مناسبات نظامی - سیاسی مسلماً آب را به آسیاب امریکا فرو خواهد ریخت .

- کشورهای ثروتمند عرب از جمله عربستان سعودی، کویت، قطر، امارت متحده عربی، بحرین و غیره از شروع فاجعه افغانستان تا کنون در کافه رویداد ها و پیشامد های سیاسی میهن جنگ زده ما نقش بزرگ و تعیین کننده داشته اند. قطریه عنوان کشوری که سهم مهم و بسزا در سر و سامان دادن تجاوز ایالات متحده امریکا و شرکای

جنایتکارش برافغانستان، عراق و لیبیا داشته است، اکنون نیز می تواند نقش ارزشمندی در آغاز و پیشرفت مذاکرات طالبان - امریکا ایفاء نماید.

- بالاخره انتخاب قطر به حیث مرکز مذاکرات میان طالبان و امریکا می تواند از زوایه دید وضع متشنج کنونی حاکم برخلیج فارس، مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. همانگونه که بر آگاهان و تحلیلگران مسایل ستراتیژیک منطقه به نیکوئی هوایداست، پلان های تجاوزگرانه مشترک اسرائیل، امریکا و سایر متحدین نظامی شان علیه ایران آهسته آهسته به منصه اجراء در می آید. قطر و طالبان هر دو می توانند، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در تحقق همچو اهداف و نقشه های استعماری علیه ایران، نقشی مهمی انجام دهند.

**۲- در این مدت زیادت از ده سال که کشور ما مورد تجاوز قرار گرفته، هدف امپریالیسم امریکا و متحدین جنایاتش در ناتو و خارج از آن، نابودی طالبان به حیث حامیان تروریسم و به حیث کسانی که پا بر حقوق بشر و حقوق زنان گذاشتند، اعلام شده بود و طالبان نیز همیشه به صراحت خروج بدون قید و شرط خ قوای اشغالگر را از افغانستان خواستار بودند.**

**چطور شد که هر دو طرف قابل پذیرش همدیگر گردیدند؟ و چه دلایلی می تواند محور اصلی مذاکرات آنها باشد؟**

۲- بلی! سردمداران امریکائی و ائتلافی دربدوء تهاجم بر کشور آزاده و پرغرور ما، از قلع و قمع تروریسم، تحقق دموکراسی، حقوق بشر، به خصوص حقوق زنان، تأمین حاکمیت قانون، رفاه اجتماعی و اقتصادی و سایر خواب های چرب و نرم سخن می راندند. در وسایل تبلیغاتی غرب و میدیای دولتی و خصوصی کابل هر لحظه از به اصطلاح ظلم و جنایتکاری و وحشیگری طالبان به نحو اغراق آمیزی، صحبت به عمل می آمد. همه ما خوب به خاطر داریم، که برای دستگیری یا کشتن رهبران طالبان نیز جوایز چند میلیون دالری تعیین گردید. تفنگداران فرعون صفت امریکائی و متحدین ائتلافی آن در تجاوز ناروا و ظالمانه بر خاک مقدس ما نه تنها هزاران هموطن بی گناه و مظلوم ما را بی رحمانه به خاک و خون کشانید، بلکه خود نیز متحمل تلفات بزرگ جانی و خسارات عظیم مالی گردیدند. روی این ملحوظ، فراخواندن طالبان به میز مذاکره و بالنتیجه شناسائی آنان در عرصه ملی و بین المللی به عنوان طرف منازعه جاری درافغانستان را باید شکست واضح و آشکار متجاوزین امریکائی خواند. درعین حال نشست طالبان روی میز مذاکره با تجاوزگران و اشغالگران را نیز به نحوی خط بطلان بر کاکگی و آزادمندی آنان باید دانست؛ چه ایشان همواره بر خروج بی قید و شرط عساکر اشغالگراز وطن آزاده و سربلند ما تأکید و پافشاری نموده اند؛ علی رغم شکست های دو جانبه طرفین، ختم جنگ و ویرانی ده ساله هیچ گاه بدون مذاکره و مفاهمه ممکن نبوده، رجوع طرفین درگیر به میز مذاکره و مفاهمه را بدون توجه به محتویات توافق شان، نباید در اصل یک امر ناشایسته و نامعقول خواند؛ زیرا مذاکره و موافقه به خاطر قطع هرچه زودتر جنگ و خونریزی و پایان بخشیدن به اشغال ظالمانه بیگانه، نه تنها امر زیان آور، ناشایسته و ضد منافع ملی نبوده، بلکه کاریست درخور تحسین و تمجید؛ چه تأکید بر خروج مهاجمان اشغالگر از طریق نظامی خود به معنای ادامه جنگ و خون ریزی و تباهی بیش از پیش این خانه ویران شده خواهد بود؛ ولی شرط اصلی و اساسی چنین مذاکرات صلح و مصالحه میان طرفین ذیدخل باید همواره مبتنی و متکی برمنافع علیای افغانستان بوده؛ وبه شکل فراگیر، علنی و صریح صورت گیرد. . . محور چنین مذاکرات را مسایل گوناگونی می تواند تشکیل دهد، که برخی از آنان قرار ذیل خواهد بود:

- تبادل اسرای جنگی .

- سهیم ساختن طالبان در حکومت دست نشاندۀ کابل .
- واگذاری فرمانروایی مناطق جنوبی کشور به طالبان در ازای چشم پوشی از مناطق شمالی .
- واگذاری سرتاسر افغانستان به طالبان و سایر گروه های مسلح مخالف .
- توافق با حضور لشکرگاه های امریکائی در قلمرو افغانستان .
- چگونگی همکاری در مبارزه مشترک علیه رژیم آخوندی ایران در آینده نزدیک و گسترش دامنه چین همکاری ها علیه دولت چین و کشور های آسیای مرکزی در طویل المدت .

**۳- روی کدام اهداف، امپریالیسم امریکا از یک جانب در مذاکرات را با طالبان بازنموده و از جانب دیگر در ابتداء ماه جنوری جلسه ای در برلین صورت گرفت که در آن بعضی از وکلای امریکا با ائتلاف تنگین شمال اشتراک نموده بودند؟**

۴- به همگان معلوم است، که ایالات متحده امریکا و سایر شرکای ائتلافی آن در پلانهای استعماری خویش در افغانستان و منطقه با شکست های بزرگی مواجه گشته اند. این شکست های بزرگ سیاسی، نظامی و اقتصادی باعث شده است تا بازی های استعماری خویش را به نحو دیگری ادامه دهند؛ و این بازی های تازه چیز دیگری جز تفرقه قومی، مذهبی، لسانی و سمتی میان باشندگان این خطه تاریخی، نمی تواند باشد. استعمارگران امریکائی و ائتلافی برای تداوم این بازی خطرناک مجبورند تا علاوه بر جنایتکاران، چپاولگران، جاسوسان، انقیاد طالبان و سایر گروه های مزدور حاکم بر رژیم کابل، اکنون طالبان و سایر گروه های مسلح مخالف را نیز در مشت خویش گیرند. همانگونه که شوروی سابق بعد از سقوط دولت نجیب الله برای ادامه نفوذ و سیطره استعماری خویش درکشورما از گروه ها و گروهک های جنگی مزدور خویش نظیر جنبش ملی رشید دوستم، شورای نظار، گروه سید کیان و غیره استفاده به عمل آورد. قیام ها و آشوب های کشور های عربی و شمال افریقا به وضوح نشان داد، که استعمار امریکائی و اروپائی نیز به سان استعمار روسی هیچ گاه حاضر به ترک کردن سرمایه های ستراتیژیک خویش نیست . باید جوامع بشری را بر سرخ و سبز و سیاه و سفید و زرد و غیره تقسیم نموده، عنان و افسار همه شان را در دست گرفت . اینست سیاست دیرینه و همیشگی استعمار.

**۴- هدف میزبانی دولت المان را از هر دو گروه (طالبان و هم ائتلاف شمال) چگونه ارزیابی می کنید؟**

۴- تجاوزات ظالمانه و وحشیانه علیه مردم افغانستان، عراق و لیبیا بر پرستیژ و اعتبار ایالات متحده امریکا و انگلستان در سرتاسر جهان، علی الخصوص مردم افغانستان و همه مسلمانان جهان، صدمه بزرگ وارد نمود. بنابراین، المان به مثابه یگانه عضو پیمان ناتو که از اعتبار نسبتاً خوب در میان هموطنان ما برخوردار بوده، می تواند نقشی مهم ارتباطی و کمکی در تحقق اهداف و برنامه های استعماری امریکا بازی نماید .

**۵- با وجود تمام جنایات و بدبختی هایی را که امپریالیسم و ارتجاع به سر مردم افغانستان آورده اند، با آنها همسند افغانهایی که زیر عنوان دفاع از صلح از این اقدامات امپریالیسم و متحدینش حمایت می کنند و از مردم تقاضا می کنند که در این روند خائنانه حصه بگیرند. شما این نوع تلاشها را چگونه ارزیابی می کنید؟**

۵- شکی نیست، که افغان های جنگ زده و ماتم کشیده بعد از سی و اند سال جنگ و خون ریزی و تباهی تحمیل شده، به صلح و امنیت سراسری نیاز مبرم دارند؛ اما این آرمان مقدس و والا چگونه تحقق خواهد یافت؟ هموطنان

آگاه و واقعبین ما نیک می دانند، که عاملان جنگ و خون ریزی و چپاولگری و سیاهکاری به هیچ وجه نمی توانند صلح، امنیت، دموکراسی، حقوق بشر، حاکمیت قانون و عدالت اجتماعی به آرمغان بیاورند. آلام و مصایب مردم ما طی ده سال گذشته مصداق روشن این ادعا است. تجر و مطلق العنانی و یکه تازی طالبان نیز قادر به حل و فصل مسایل کشور در هم ریخته و بلاکشیده ما نیست. تأمین صلح و امنیت عام و تام در سرتاسر کشور، تحکیم وحدت ملی و حل و فصل مسایل مبرم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم ما در واقع نیازمند تشکیل حکومت ملی و مردمی است، که از حمایت و پشتیبانی بیدریغ همه باشندگان این خانه مشترک تاریخی برخوردار باشد. افغان ها، نه خارجی ها، باید همه دست به دست هم داده جهت ایجاد چنین دولت ملی و مردمی کار و پیکار نمایند. بدون شک طالبان و سایر گروه های سیاسی و جنگی مخالف اشغال می تواند در تشکیل، تحکیم و پیروزی چنین نهاد ملی - مردمی سهم کلیدی و ارزنده ایفاء کنند. همان طوری که مردم ما می گویند: سرمه آزموده را آزمودن خطا است، واگذاری هست و بود این کشور به این یا آن گروه جنگی نیز خطا و جفائی بیش نخواهد.

**۶- امپریالیسم و ارتجاع بعد از این همه صدمات جبران نا پذیری را که بر کشور ما وارد نموده اند، آیا با تسلیم شدن طالبان و دادن امتیازات سیاسی به آنها می توانند از خشم مردم مصون بمانند و دیگر مقاومتی علیه آنها در افغانستان وجود نخواهد داشت؟**

۶- واگذاری امتیازات گوناگون به طالبان اعم از سهم ساختن در حکومت مزدور کابل، سپردن مناطق جنوبی و غیره به هیچ وجه از مقاومت مردم شجاع و آزادی پرور افغانستان علیه اشغالگران اجنبی، جلوگیری نخواهد کرد. اگر طالبان و سایر گروه های مسلح مخالف با بی توجهی به منافع و مصالح ملی افغانستان، به معاملات ننگین و خاینانه تن در دهند، در آن صورت نه تنها با مقاومت سرسختانه همه میهن دوستان و آزادیخواهان ملی، بلکه رزمندگان متهور و جانباز جنبش خویش نیز مواجه خواهند گشت؛ زیرا تاریخ این مرزوبوم غرور آفرین شاهد است، که افغانان راستین و آزادی پرور هیچ گاه خون شهدای خویش را در برابر پول، مقام و سایر خواہشات شخصی و خانوادگی و گروهی به فروش نگذاشته اند.